

تبیین معنویت گرایی انسان معاصر از دیدگاه قرآن

اعظم نعیمی^۱

چکیده

بزرگترین بحرانی که بر جامعه بشریت خصوصاً بر جامعه های به اصطلاح پیشرفته سایه افکننده بحران معنویت است. بحران معنویت یعنی دین گریزی و روی گردانی از ارزش های اخلاقی و انسانی و اسلامی. انسان فطرتی دارد که پشتوانه آن روح الهی است. هر زمان از این گوهر الهی غافل شود و از دستورات دین فاصله بگیرد. بحران ها و آسیب های فردی و اجتماعی او تشدید می شود و او را به ورطه هلاکت سیر می دهد. تنها راه نجات و امیدواری احیای قداست فکر دینی و مذهبی در پاسخ به ندای فطرت الهی است. این تحقیق درصدد آن است تا با استفاده از قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام که چراغ راه جامعه بشریت هستند. معنویت گرایی و تقرب الهی که با کامل شدن انسان و رسیدن او به کمال مطلق حاصل می شود مبتنی بر تعالیم الهی بوده و از معنویت منهای توحید به دور است و از طریق اعتقاد به توحید و عالم غیب روح و باطن انسان معنوی شکل می گیرد. این معنویت از طرق مختلف می تواند کسب شود و تاثیر فوق العاده ای در ابعاد مختلف حیات فردی و اجتماعی بشر، در دو بعد مادی و معنوی خواهد گذاشت. از جمله اموری که می تواند در معنویت گرایی مطلوب از انسان به صورت فردی تاثیرگذار باشد «بصیرت»، «آرامش»، «نشاط» و «امید» است. با اعتقاد به خدا زمینه انجام عمل و رسیدن به کمال در افراد شکوفا می شود و از آن جایی که انسان موجودی اجتماعی است معنویت او علاوه بر تاثیرگذاری در اجتماع می تواند از طریق اجتماع نیز به معنویت مطلوب نزدیک گردند. از شاخصه های اجتماعی موثر در معنویت مطلوب می توان به ولایت محوری، ایثار، محبت به مردم و احترام به آنها، ظلم ستیزی، انس با قرآن، دعا و نیایش اشاره نمود. اما مهمترین امر ارزشمند در این امور، خلوص نیت است، اخلاص، معیار

^۱ - طلبه سطح ۲، مدرسه علمیه فاطمه الزهرا سلام الله علیها، استان مرکزی، اراک.

ارزش عبادت، مقامی از مقامات مقربان الهی و هدف دین است. هر کس آن را یافت، موهبتی الهی نصیبش گشته که به و سیله آن به مقامات بزرگی می‌رسد. نقش و تاثیر و کارکرد اخلاص، محدود به هیچ حدی نیست و همه ی شئون زندگی فرد و جامعه را در بر می‌گیرد.

واژگان کلیدی: انسان، دین، معنویت، معاصر

۱- مقدمه

قرآن به عنوان کتاب الهی راهنمای زندگی بشر، معنویت را یکی از اساسی تری جنبه های وجود انسان می داند و از آن به عنوان راهی برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی یاد می کند. از منظر قرآن، انسان دارای فطرتی است که به سمت حقیقت و خداوند گرایش دارد. این فطرت الهی او را به جستجوی معنا و حقیقت در زندگی هدایت می کند. معنویت گرایی به عنوان یک نیاز اساسی بشر در دنیای معاصر به محدوده ای فرا تراز مادیات و رونق های ظاهری زندگی اشاره دارد. در عصر حاضر با وجود پیشرفت های علمی و تکنولوژی، بسیاری از افراد احساس می کنند که زندگی بدون معنویت، خالی و بی معناست. قرآن تأکید می کند که تنها با ارتباط عمیق با خداوند و پیروی از دستورات اوست که انسان می تواند آرامش و رضایت حقیقی را تجربه کند. همچنین قرآن به نیاز انسان به ذکر و یاد خدا اشاره می کند و آن را وسیله ای برای تقویت روحی و معنوی انسان می داند. در زندگی پر هیاهوی امروز این یاد آوری از اهمیت بیشتری برخوردار است. زیرا انسان معاصر به دلیل مشغولیات مادی و دنیوی بیشتر از همیشه نیازمند بازگشت به معنویت است. بحث درباره معنویت و کارکردهای آن در زندگی بشر و تلاش در جهت شناخت هر چه بیشتر معنویت حقیقی، راه حل اصلی برون رفت از بحران عصر حاضر است. افزایش بیماری های روحی - روانی و افسردگی، حکایت از تشدید بحران معنویت و عدم کارکرد معنویت های کاذب دارد که اغلب با عدم شناخت صحیح از معنویت حقیقی و معیارها و شاخصه های آن همراه

است. بنابراین، مطالعه معنویت، برای تطبیق و مقایسه مبانی و شاخصه های آنها ضروری بوده، ارزیابی بحران معنویت و ارائه راهکار، جز از این طریق میسر نیست.

تحقیقات گسترده ای در زمینه معنویت و مرتبط با آن انجام شده است؛ از جمله: معنویت تشیع از علامه طباطبایی که در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسیده است. کتاب حریت و معنویت نوشته آقای رودگر که در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است. راهی به رهایی و مقالات معنویت گوهر ادیان در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسیده است که درباره معنویت شرح داده است. «سازگاری معنویت و مدرنیته»، «دین و معنویت در پروسه جهانی شدن» مصطفی ملکیان، «علم، دین و معنویت در آستانه قرن بیستم» گلشنی، کتابهای سید حسین نصر و کتابهای نوشته شده درباره آرا و نظرات معنوی نصر که به گونه ای به تعریف و بررسی ابعاد مختلف معنویت، رابطه دین و عقلانیت با معنویت پرداخته اند.

بحران معنویت هم از جمله مباحث ضروری عصر حاضر بوده و نویسندگان بسیاری را به نگارش کتاب و مقاله واداشته است.

گرایش به معنویات در تاریخ بشر تاریخچه ای بس کهن دارد و در میان اقوام و ملل و مذاهب مختلف از دیرباز چنین گرایش هایی وجود داشته است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۹) برخی نیز عصر جدید را عصر معنویت نامیده و معتقدند: با توجه به عصر مدرنیته، اگر بشر به دامن معنویت نگراید به نابودی کشیده می شود. (خسروپناه، ۱۳۹۱ ص ۲۲۱)

از نشانه های دیگر توجه بیشتر و افزون تر انسان معاصر به معنویت، حجم آثاری است که در سده اخیر درباره حقیقت و مواهب زندگی قدسی و روحانی تألیف شده است. این در حالی است که مثلاً در دایره المعارف کاتولیک که پیش از جنگ جهانی اول منتشر شد هیچ اشاره ای به معنویت نبود، اما دایره المعارف جدید کاتولیک که حدود چهل سال پیش انتشار یافت دست کم با هشت مدخل، موضوع معنویت را وجهه قلم و تحقیق صاحب نظران قرار داده است. (شلدراک، ۱۳۸۰، شماره ۱۰-۹، ص ۲۴۵).

کتاب ماجرای معنویت در دوران جدید نوشته زمانی، که در سال ۱۳۸۴ با بررسی سیر تاریخی گرایش به معنویت در گذشته و سپس سیر معنویت زدایی غرب از طبیعت، عقل و فطرت انسان، به تطور بحران معنویت پرداخته است «کتاب حیات معنوی» نوشته اسدالله جمشیدی و مقاله آسیب شناسی معنویت نوشته بابایی، ۱۳۸۷ به رشته تحریر در آمده است. و مقاله بحران معنویت در جهان غرب و بازگشت مجدد به مذهب نوشته «کلدوتران»، ۱۳۷۲ نیز در پی بررسی ایجاد بحران معنویت و ارائه راهکار و حل این معضل برآمده اند. این پژوهش، به مفهوم شناسی واژگان کلیدی، تبیین و تعریف انسان معاصر، و بیان راهکارهای قرآن برای بازگشت انسان معاصر به معنویت و چگونگی برقراری تعادل بین زندگی مادی و معنوی پرداخته، و به تناسب مباحث به آیات قرآن اشاره می کند و در این نوشتار سعی شده با پیگیری مباحث معنویت و بحران حاصل از آن در دنیای معاصر، به روش نقلی و وحیانی و به روش کتابخانه ای، فیش برداری شده و با اهداف توصیفی - تحلیلی به بررسی این موضوع پرداخته شود.

۲- مفهوم شناسی واژگان موضوع تحقیق

۲_۱. انسان در لغت و اصطلاح

انسان اصلش از «إنسیان» است، زیرا لغت شناسان عربی، مصغر آن را «أنسیان» دانسته اند. «یای» آخر در تصغیر بر وجود آن در اصل، دلالت می کند و به سبب کثرت استعمال، حذف شده است.^۱ در وجه تسمیه انسان به این نام گفته شده است: با توجه به این که انسان اصلش «انسیان» بوده و آن هم از «نسیان» است، و انسان چون با خدای خود عهدی بست و فراموش کرد، بدین نام، نامیده شد. یا بدان جهت انسان نامیده شد که می تواند بین خود و سایر مخلوقات انس و الفت برقرار کند. اصطلاحات انسان، بشر و آدم، هر سه تقریباً بر افراد

^۱ - لسان العرب، ابن منظور، ج ۱، ص ۲۳۱.

^۲ - تاج العروس، حسینی الزبیدی، ج ۴، ص ۱۰۲.

انسان صدق می‌کند، لکن به لحاظی با هم فرق دارند، در بین اهل لغت، کلمه انسان و بشر عَلمٌ برای نوع انسان به کار رفته است، لکن اکثر اهل لغت واژه «آدم» را عَلمٌ برای شخص گرفته اند. برخی هم آن را مثل انسان و بشر برای «نوع» به کار برده اند. در قرآن هر کجا کلمه بشر به کار رفته، منظور جسم ظاهری، پوست و بدن انسان است، و هر کجا کلمه «انسان» به کار رفته است مراد باطن، کمالات و استعدادهای درونی او است. کلمه «انسان» در قرآن شصت و پنج بار، و کلمه «بشر» سی و پنج بار و کلمه آدم بیست و پنج بار به کار رفته است.^۱

حقیقت انسان، کتابی است نیازمند شرح، و شارح این کتاب نیز کسی جز مصَنّف آن، یعنی آفریدگار هستی نمی‌تواند باشد، زیرا خدا، هم نویسنده این کتاب است و هم متکَلِّمِ کلمات آن. خدای سبحان، حقیقت انسان را به وسیله انبیا و اولیا و فرشتگان شرح کرده، با بیان این که آدمی از کجا آمده، به کجا می‌رود و در چه راهی گام بر می‌دارد، او را هم با خود آشنا می‌کند، هم با آفریدگارش و هم با گذشته، حال و آینده اش. اگر انسان، حقیقت خود را برای شرح به خدا نسپارد، دیگران او را شرح کرده، انسان‌شناسی می‌نگارند؛ اما بسان کتب آسمانی پیشین، دست به تحریف و تفسیر به رأی می‌زنند؛ هم بعضی اسرار نهانی را کتمان می‌کنند، هم اموری بیگانه را به عنوان خواسته‌های انسان بر او تحمیل می‌کنند و هم خواسته‌های حقیقی او را جابه‌جا می‌سازند که این سه نقص بزرگ و عیب مهمّ در شرح حقیقت انسان است. از این رو است که ما از خداوند، شرح خویش را می‌خواهیم و چنین عرضه می‌داریم: «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي؛ یعنی پروردگارا! حقیقت مرا که متنی است نیازمند شرح، چنان بازکن که خود را بشناسم.»^۲

سرّ آن که شرح و بسط گوهر انسان، همراه با تفسیر و تحلیل حقیقت اوست، آن است که اصل معرفت در نهان او نهفته است و با گسترش حقیقت و شرح صدر انسان، جریان معرفت او نیز باز و شفاف می‌شود و همین معرفت مشروح و شناخت مبسوط، نسبت به انسان‌شناسی کارآمد خواهد بود. در واقع شناخت کنه انسان، بلکه هر

^۱ - سید علی اکبر قریشی، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۳۸.

^۲ - سید علی اکبر قریشی، قاموس قرآن، ص ۳۸ و ۱۳۲ و ۱۹۲.

^۳ - سوره طه، آیه ۲۵.

قرآن کریم انسان را مرکب از جسم و روح می داند. آیات مربوط به آفرینش انسان، ابتدا به شکل گیری بُعد مادی اشاره کرده و می فرماید: آن گاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم. پس آن علقه را [به صورت] مضغه گردانیدیم، و آن گاه مضغه را استخوان هایی ساختیم، بعد استخوانها را با گوشتی پوشانیدیم.^۱

سپس با تعبیری زیبا از خلقت جدیدی متفاوت از خلقت اولیه سخن می گوید: آن گاه [جنین را در] آفرینشی دیگر پدید آوردیم. آفرین بر خدا که بهترین آفرینندگان است.^۲ رشد و تعالی این مخلوق جدید که ارتباط تنگاتنگی با حیات معنوی حقیقی انسان دارد، فقط در پرتو عمل به آموزه های شریعت و دین و حرکت هماهنگ با فطرت محقق می شود و تنها معرفت و علم و عمل به دعوت الهی است که انسان را در مسیر معنویت های حقیقی قرار می دهد. قرآن کریم این حیات معنوی را چنین بیان می کند: ای کسانی که ایمان آورده اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می بخشد، آنان را اجابت کنید. بآ تامل در آیه، درمی یابیم که استجابت خدا و رسول قلی الله علیه و آله توسط مؤمنان، باعث زنده شدن و حیات آنها می شود و چون کفار و غیر مؤمنان هم دارای حیات مادی و زنده اند، پس در این آیه حیات مادی مد نظر نیست، بلکه آیه در جهت تبیین حیات معنوی و راه های رسیدن به معنویت بوده است و این حیات در گرو عبودیت و تنظیم برنامه زندگی و حرکت به سوی هدف اعلای الهی است. علامه طباطبایی ذیل این آیه به تبیین حیات انسان پرداخته و زندگی معنوی را حقیقت وجود او برمی شمرد و تبعیت از خدا و رسول را راهی به سوی زندگی معنوی می داند؛ چرا که انسان بدون آن زنده نیست. ایشان می فرمایند: کسی که در علم نافع و عمل صالح کوتاهی کرده و با گراییدن به سوی جهل و فساد، اراده آزاد و عمل نافع خود را به مردگان ملحق کرده، دیگر زنده به آن زندگی نمی شود، مگر اینکه علم حق و عمل حق را دوباره کسب کند و این معنایی است که آیه مورد

^۱ -سوره مومنون، آیه ۱۳.

^۲ -سوره مومنون، آیه ۱۴.

^۳ -سوره انفال، آیه ۲۴.

بحث به آن اشاره کرده و می فرماید: ای کسانی که ایمان آوردید، استجابات کنید دعوت خدا و رسول را وقتی شما را دعوت می کنند، به چیزی که شما را زنده می کند.^۱

۶- نتیجه گیری

۱- معنویت یکی از مؤلفه های مهم حیات بشری است.

۲- تعریف مفهوم معنویت، مَبین افکار و آرای مختلف در این زمینه است. گاه مطلق معنویت بدون همراهی دین، مد نظر بوده و گاه نقش عوامل فرا، روان شناختی بزرگنمایی شده است.

۳- معنویت حقیقی، معنویت همراه با ایمان به خدا و عمل به احکام شریعت بوده و حس معنا گرایی انسان معنوی، فقط در سایه بینش، ایمان و عمل، به آرامش و تعالی روح منتهی می شود. می توان گفت که معنویت مورد نیاز بشر امروزی، همان معنویت حاصل از آموزه های دین مبین اسلام است.

۴- معنویتی که با معرفت آغاز شده و ایمان و التزام به شریعت از ملزومات آن به شمار می آید و عقلانیت هم از پایه های اساسی آن است.

۵- اعتماد به خلیفه الهی انسان. معنویت از زندگی بشر حذف شدنی نیست؛ زیرا انسان امروزی و معاصر با آنکه توانسته است رفاه نسبی را برای خود فراهم کند اما از معنویت تهی شده و از خلأ معنوی رنج می برد. احساس می کند گم شده با ارزشی در زندگی او وجود داشته که باید آن را پیدا کند، امروزه از این حالت به بحران «بحران معنویت» تعبیر می شود. ریشه فقدان معنویت هم در فقدان معنویت و ایمان به خداوند است. موضوع مهم در این بخش این است که چه عواملی می تواند در شکل گیری بحرانی که برای معنویت عصر حاضر وجود دارد مؤثر باشد.

^۱ - سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۵، ص ۵۵.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- ۱- ابن منظور، لسان العرب، (م ۷۱۱)، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ هـ.
- ۲- افرام البستانی، فؤاد، المنجد الطلاب، ترجمه بندر ریگی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۷.
- ۳- باقری، خسرو، ۱۸۶۰، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، چاپخانه مدرسه، چاپ دهم،
- ۴- باقری، خسرو (۱۳۸۲). هویت علم دینی (نگاهی معرفت شناختی به نسبت دین با علوم انسانی). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۵- تاج العروس، حسینی الزبیدی، سید محمد مرتضی، دارالهدایه، بیروت، بی تا.
- ۶- جوادی آملی، حسن، صورت و سیرت انسان در قرآن، تحقیق امین دین، غلام علی، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
- ۷- خالدی، عبدالفتاح، آمریکا از دیدگاه سید قطب، ترجمه مصطفی اربابی، تهران، نشر احسان، ۱۳۷۰.
- ۸- دایر، وین، معنویت - رسالت نهایی شما، ترجمه علی پناهی، تهران، نشر آسیم، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
- ۹- سید فاطمی، سیدزهره؛ (۱۳۹۳)؛ چیستی معنویت اسلامی با رویکردی انتقادی به مفهوم معنویت در جنبش‌های نوپدید معناگرا؛ مطالعات معنوی، شماره ۱۳ و ۱۴.

۱۰- شلتوت، محمود، سیری در تعالیم اسلام، ترجمه سید خلیل خلیلیان، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ ششم، ۱۳۶۱.

۱۱- طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، تهران، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، چاپ ششم، ۱۳۷۶.

۱۲- عباسی، محمود و همکاران، درآمدی بر سلامت معنوی، تهران: انتشارات حقوقی، ۱۳۹۳.

۱۳- فرانکل، ویکتور، فریاد ناشنیده برای معنا، ترجمه علی علوی‌نیا و مصطفی تبریزی، نشر یادآوران، ۱۳۷۱.

۱۴- قطب، محمد، انسان بین مادیگری و اسلام، ترجمه سید خلیل خلیلیان، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۰.

۱۵- قاموس قرآن، قرشی، سید علی اکبر، دار الکتب الإسلامیة، تهران.

۱۶- گلدمن، لوسین (۱۳۷۵). فلسفه روشنگری. ترجمه‌ی شیوا کاویانی. تهران: فکر روز.

۱۷- مجمع البحرين، طریحی، فخر الدین (م/۱۰۸۵)، تحقیق: سید احمد الحسینی، ناشر: مکتب نشر الثقافة الاسلامیه، ۱۴۰۸ ق.

۱۸- مطهری، مرتضی تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، چاپ بیست و نهم، ۱۳۷۶.

۱۹- معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، قم، انتشارات تمهید، چاپ دهم، ۱۳۸۸.

۲۰- معلوف، المنجد فی اللغة، دارالمشرق، چاپ سی و پنجم، بی‌تا.

۲۱- معین، محمد، فرهنگ فارسی دکتر معین، تهران، مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر، چاپ دهم، ۱۳۷۵.

- ۲۲- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجاهم، ۱۳۸۵.
- ۲۳- موسوی لاری، مجتبی، مبانی اعتقادات در اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.
- ۲۴- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحارالانوار الجامعه لدرر أنوار الأئمه الأطهار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- ۲۵- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، چاپخانه سرور، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، چاپ ششم، ۱۳۸۲.
- ۲۶- نصر، سید حسین (۱۳۸۵). اسلام و تنگناهای انسان متجدد. ترجمه ان شاء الله رحمتی. تهران: سهروردی، چ دوم
- ۲۷- ندوی، ابوالحسن، حدود خسارت جهان و انحطاط مسلمین، قم، انتشارات پیام اسلام، چاپ هشتم، ۱۳۶۹.
- ۲۸- نووی، یحیی، ریاض الصالحین من کلام سید المرسلین، ترجمه عبدالله خاموش هروی، تهران، نشر احسان، ۱۳۶۰.
- ۲۹- وست، ویلیام، ۱۳۹۳، روان درمانی و معنویت، مترجم: شهریار شهیدی و سلطانعلی شیرافکن، تهران: انتشارات رشد
- Best, R.(2006). In Defense of the concept of spiritual Education, Conference ROERCE) at Roehampton University.
- Astley, Jeff (2009). Religion versus Darwin : Should evolution denial go to school?. Studies in Christian Ethics. 54-68.